

## اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان

(مطالعه‌ی موردی زنان شهرستان جویبار)

قربانعلی ابراهیمی\*، رقیه مسلمی پطروودی\*\*

**چکیده:** چگونگی گذران اوقات فراغت بازتابی از سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه است. پژوهش حاضر تأثیر سرمایه فرهنگی را بر اوقات فراغت با بهره‌گیری از روش پیمایشی مورد بررسی قرار داده است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را کلیه زنان ساکن شهرستان جویبار در دامنه سنی ۶۴-۱۵ سال تشکیل می‌دهند. بر اساس نتایج آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، مجموع کل زنان ۱۵ تا ۶۴ سال در شهرستان جویبار ۲۵۳۲۵ نفر بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، نمونه‌ای به حجم ۳۷۸ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب گردید. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میانگین مشارکت زنان در اوقات فراغت فعال (۱/۹۱ از ۴) بیشتر از مشارکت زنان در فراغت غیرفعال (۱/۳ از ۴) است. میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی در جامعه مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط است. نتیجه رگرسیون خطی چند متغیره نشان می‌دهد که از میان سه بعد سرمایه فرهنگی، دو بعد (سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده) دارای تأثیر معنادار بر اوقات فراغت می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** اوقات فراغت، زنان، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، فعالیت فراغتی.

### مقدمه و طرح مسأله

فراغت پدیده‌ای است که با تمدن صنعتی پیوند دارد. در چنین تمدنی، دو شرط لازم برای پیدایش فراغت تحقق یافته است؛ نخست، کار از شکل اجبار فرهنگی و اجتماعی خارج شده و شکل مسئولیت آزاد فرد را دارد. شرط دوم، جدا شدن کار از فعالیت‌های دیگر انسان است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۶۴). اوقات فراغت به عنوان مفهوم جدیدی که محصول جدایی کار از خانه، پیشرفت‌های فناورانه و تقسیم کار اجتماعی است، این فرصت را مهیا کرد که انسان (هر چند کوتاه) از اجبارها و محدودیت‌های نظم اجتماعی مدرن رها شود

Ghorbanaliebrahimi@gmail.com

Moslemi\_Roghaye@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۲۳

\* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

\*\* کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۳

(کیویتسو، ۱۳۸۰: ۸۰).

عوامل بسیاری بر نوع انتخاب افراد در چگونگی صرف وقت هنگام فراغت تأثیر گذارند: دسته اول عوامل به عوامل فردی ارتباط دارند: اینکه فرد در چه مرحله‌ای از زندگی قرار دارد، نیازهایش کدامند، دارای چه علایقی است، نگرش‌هایش کدامند، چه توانایی‌هایی دارد، شرایط رشدش چگونه بوده است و چه شخصیتی دارد. دسته دوم این عوامل به محیط و شرایطی مرتبط است که فرد در آنها قرار دارد: بافت اجتماعی که فرد جزئی از آن است، تحصیلات و عوامل فرهنگی. دسته سوم این عوامل نیز به موقعیت‌ها و خدماتی که در اختیار فرد قرار دارند از جمله منابع، تسهیلات، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و نحوه مدیریت آنها مربوط می‌شود (تورکیلدن، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

اوقات فراغت نزدیک‌ترین پیوند را با زندگی معنوی و فرهنگی افراد دارد و ارتباط آن با حیات معنوی و فرهنگی جامعه تنگاتنگ است، چون فرد می‌تواند در اوقات فراغت همان چیزی را که می‌پسندد انجام دهد، شخصیت نهایی خود را باز یابد و آن را ابراز کند. بنابراین قابلیت‌های فرد غالباً در عرصه اوقات فراغت جلوه‌گر می‌شود. از طرف دیگر، فعالیت‌های اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن به مثابه آینه فرهنگ جامعه یاد می‌کنند. در نتیجه چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف خصوصیات فرهنگی آن جامعه است. میزان دسترسی افراد به سرمایه فرهنگی موجب داشتن نوع خاصی از سبک زندگی توسط افراد می‌شود آنچنان که سبک زندگی افراد، مجموعه‌ی تفکرات، تفاسیر و ادراکات وی را تشکیل می‌دهند و بر استفاده از فعالیت‌های فراغتی مؤثر می‌باشند.

استان مازندران سالانه شاهد مسافران زیادی جهت تفریح و گذران اوقات فراغت می‌باشد و شهرستان جویبار به عنوان یکی از شهرستان‌های ساحلی این استان از این قاعده مستثنی نیست، همچنین نظر به اینکه با نفوذ عناصر و تکنولوژی‌های مدرن مانند رسانه‌های دیداری و شنیداری، ماهواره و اینترنت و غیره به قلب دورافتاده‌ترین و سنتی‌ترین جوامع که نگرش و رفتارهای اعضای گروه‌های اجتماعی را تغییر داده است، لذا مناطق شهری و روستایی شهرستان جویبار به دلیل وجود همزمان عناصر مدرن و سنتی به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب گردیده است. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشد: آیا زنان بیشتر اوقات فراغت خود را به صورت فعال می‌گذرانند یا غیرفعال؟ ابعاد گوناگون سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته و نهاده شده) چه تأثیری بر میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی دارند؟

### چارچوب نظری تحقیق

بورديو، یکی از نظریه‌پردازان مشهور در زمینه سبک زندگی و اوقات فراغت می‌باشد (خواجہ نوری و مقدس، ۱۳۸۷:۱۴۱). برای ورود به اندیشه‌ی بورديو در باب سبک زندگی و اوقات فراغت، آشنایی با بعضی از مفاهیمی که بورديو به کار برده، فهم آراء وی را آسان می‌گرداند.

میدان در نظریه بورديو، پهنه اجتماعی کم و بیش محدودی است که تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌های تعریف شده و توانایی‌های سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات دست یابند. جامعه در واقع از تعداد بی‌شماری میدان تشکیل شده است: میدان دانشگاهی، هنری، صنعت و تجارت، حکومت، رسانه‌ها و... (فکوهی، ۱۳۸۴:۱۴۵).

موقعیت یک میدان با یکدیگر، روابط سلطه، متابعت یا هم ارزی (همگونی) برقرار می‌کند که به دلیل دسترسی هر یک از آنها به کالاهایی (سرمایه) است که محل نزاع در این میدان می‌باشند. از نظر بورديو (۱۹۸۶) سرمایه هر گونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه‌ی اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد، مؤثر واقع می‌شود (استوتز، ۱۳۸۵:۳۳۵). این سرمایه را می‌توان اصولاً به چهار مقوله تفکیک کرد: سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی (انواع گوناگون روابط ارزشمند با دیگران)، سرمایه‌ی فرهنگی (انواع و اقسام معرفت مشروع) و سرمایه‌ی نمادین (پرستیژ و افتخار اجتماعی) (جنکینز، ۱۳۸۵:۱۳۶).

وجود اشکال متفاوت «سرمایه» مهبیگر ساختاری بنیادین برای سازماندهی عرصه‌ها و شکل‌گیری انواع مختلف منش‌ها و کنش‌های مرتبط به آنها است. بورديو ادعا می‌کند «سرمایه جز در ارتباط با یک عرصه وجود و کارکرد ندارد» (جلالی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷:۳۲۰). بورديو بر اساس سرمایه‌های ذکر شده فضای اجتماعی را به چند محور تقسیم می‌کند. وی بر این باور است که سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد: سرمایه فرهنگی تجسم یافته: سرمایه فرهنگی در افراد تجسم می‌یابد و آن دارایی‌های اکتسابی و ارثی فرد است (بورديو و پاسرون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون گردیده و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و

<sup>۱</sup>. Bourdieu & Passeron

استفاده از امکانات مختلف از قبیل کتاب، روزنامه، سینما و انواع ورزش‌های خاص طبقات بالای اجتماعی مانند اسب سواری، گلف و مانند آن موجب می‌شود (ملاحسنی، ۱۳۸۱: ۳۰۰).

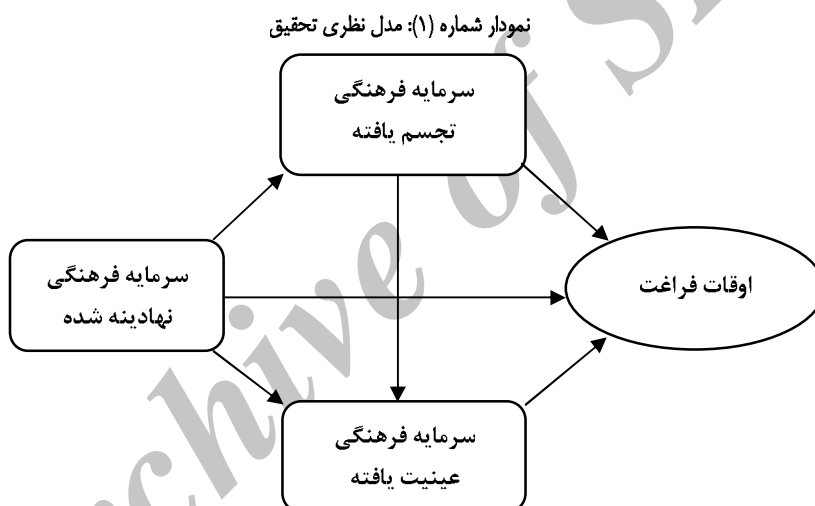
منش مجموعه‌ای از خلق و خواهی فراهم آمده در شخصیت کنشگر است که نحوه مواجهه او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد، به گونه‌ای که می‌توان آن را ناخودآگاه فرهنگی، قاعده الزامی هر انتخاب، اصل هماهنگ‌کننده اعمال و الگوی ذهنی و جسمی ادراک، ارزیابی و کنش نام‌گذاری نمود. با این احتساب، منش نظامی از طبایع گذرا و در عین حال ماندگاری است که اساس تولید کننده اعمال ساختمان به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، منش سرچشمه ادراکات، ارزیابی و اعمال است و مبین خصلت و رفتاری است که در ذیل نوعی فضای اجتماعی معنی پیدا می‌کند (بوردیو و واکانت، ۱۸: ۲۰۰۲). منش، اکتسابی است، زیرا منش صرفاً مجموعه‌ای از انگیزه‌های روانی نیست، بلکه محصول جامعه‌پذیری بلندمدت در شرایط اجتماعی خاص یا موقعیت معین است. منش‌های گروه‌های اجتماعی مختلف در سبک زندگی آنها به نحوی نمود می‌یابد که از ذائقه تا سلیقه زیبا شناختی و نگرش سیاسی آنها را جهت می‌دهد (جمشیدیها و پرستش، ۱۳۸۶). ذائقه، آنها را که ترجیح‌های یکسانی دارند به هم نزدیک می‌سازد و این کسان را از کسان دیگری که ذائقه‌های متفاوت با آنها دارند، متمایز می‌سازد. (کوزر، ۱۳۸۴: ۷۲۷).

در حقیقت مصرف را ذائقه یا سلیقه جهت می‌دهد و با جهت‌گیری مصرف، سبک‌های زندگی متفاوت شکل می‌گیرند. از سوی دیگر همین سبک‌های زندگی متفاوت به بازتولید ذائقه‌ها و به طریق اولی منش می‌انجامد، زیرا سبک زندگی همان فضایی است که کنشگران در ذیل آن می‌آموزند که چگونه زندگی کنند، چه چیز را ارجح بدانند و در نهایت چه چیز را زیبا بشمارند (جمشیدیها و پرستش، ۱۳۸۶). انتخاب فعالیت فراغت در زمان فراغت نشانه‌ای از ارزش‌های فرهنگی و قریحه فرد است. طبیعی است که گاهی مصرف فرهنگی نیز بخشی از فعالیت فراغت است، اما هر فعالیت فراغتی مصرف فرهنگی نیست و مصرف فرهنگی نیز همواره در اوقات فراغت انجام نمی‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

به طور خلاصه با توجه به مطالب ذکر شده، به نظر بوردیو در جامعه میدان‌های اجتماعی گوناگونی وجود دارد که این میدان‌ها بر اساس سرمایه ساخته می‌شود و بوردیو به سرمایه فرهنگی در شکل‌دهی به میدان‌ها توجه بیشتری دارد. مردمی که در میدان اجتماعی مشابهی قرار می‌گیرند دارای منش‌ها و ذائقه‌های مشابهی هستند. منش، به خلق و خواهی شکل گرفته در هر میدان اطلاق می‌شود که بر ذائقه مؤثر است و ذائقه نیز

1. Wacquant

عملکردی است که یکی از کارکردهایش کمک به ادراک فرد از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌باشد. گروه‌های مختلفی که در میدان‌های اجتماعی شکل می‌گیرند الگوی مصرفی خاصی را برمی‌گزینند که شیوه زندگی آنها را از افراد دیگر متمایز می‌کند. افراد با توجه به سرمایه‌ای که از آن برخوردارند و جایگاه شان در میدان و با تأثیر میدان بر سلیقه و منش آنها، نوع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را انجام می‌دهند. لذا تحقیق حاضر ضمن بررسی دو مفهوم مهم سرمایه فرهنگی و اوقات فراغت، به بررسی تأثیر و رابطه آنها با یکدیگر می‌پردازد و هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر ابعاد ذهنی، عینی و نهادی سرمایه فرهنگی بر نحوه گذران اوقات فراغت می‌باشد.



#### مروری بر مطالعات پیشین

رفعت‌جاه (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «جنسیت و اوقات فراغت در عرصه زندگی شهری» نشان می‌دهد دگرگونی‌های دوره اخیر و حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی شهری عمدتاً سبب افزایش گرایش زنان به تحصیلات و اشتغال شده است. به دنبال این دگرگونی‌ها، تغییراتی در الگوی مصرف، سبک زندگی خانواده‌ها و هم چنین بازنگری در نحوه سازماندهی فضاهای شهری ایران در زمینه ایجاد فضاها و امکانات

فراغتی برای زنان و دختران جوان بوجود آمده است و اوقات فراغت زنان از شکل انفعالی و درون خانگی، خارج گشته و به شکل فعالانه و برون خانگی ظاهر شده است.

منادی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن: مقایسه‌ی دو نسل» بیان می‌دارد جوانان اوقات فراغت خود را متفاوت از والدینشان می‌گذرانند، جوانان در گذران اوقات فراغت متأثر از جهانی شدن هستند، در حالی که والدینشان این‌گونه نیستند و از طرفی بین تحصیلات پدر و مادر و گذران اوقات فراغت رابطه معناداری وجود دارد.

خواجه‌نوری و مقدس (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستان شهرستان آباء» نشان دادند که متغیرهای استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دلبستگی به دوستان و دلبستگی به مدرسه به ترتیب، بر روی هم ۳۶/۱ درصد تغییرات را در میزان اوقات فراغت دانش آموزان تبیین می‌کنند.

تیپا (۱۳۸۸)، در پژوهش «بررسی پایگاه اجتماعی- اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان (۱۸-۲۹ سال) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی» نشان می‌دهد که بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و انواع فراغت با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۴ رابطه وجود دارد و هر چه پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانشجویان بالاتر باشد از میزان فراغت آنها کاسته می‌شود.

ربانی و شیرینی (۱۳۸۸)، در تحقیق «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران» به نقش تعیین‌کننده «طبقه اجتماعی» و ترکیب همزمان «جنسیت» با طبقه اجتماعی در خصوص تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت اشاره می‌نمایند.

در تحقیق لارابی (۱۹۶۱)، با عنوان «فراغت گروهی» که درباره‌ی تمایزات طبقاتی و اوقات فراغت بود، نشان داد که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در استفاده از اوقات فراغت وجود دارد. مطالعات دیگری که توسط (فیتزجرالد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵؛ شینو و دیگران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴؛ واگنر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶) انجام شد، نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی نقش مهمی در اوقات فراغت افراد دارد. یکی از نتایج مهم در تحقیقات این پژوهشگران تفاوت بین دو جنس در گذران اوقات فراغت و تأثیر اجبارهای اجتماعی مؤثر بر رفتارهای

1. Fitzgerald  
2. Shinew  
3. Wegner

اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان ۷۹

اجتماعی آنهاست. جی لی و بارگوا<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، در تحقیقی به این نتایج دست یافتند که افراد متأهل زمان کمتری را به فعالیت‌های اوقات فراغت نسبت به افراد مجرد اختصاص می‌دهند.

### فرضیه تحقیق

ابعاد سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده) بر میزان مشارکت پاسخ‌گویان در فعالیت‌های فراغتی تأثیر مستقیم و معناداری دارد. بدین صورت که با افزایش میزان سرمایه فرهنگی بر میزان مشارکت پاسخ‌گویان در فعالیت‌های فراغتی افزوده می‌شود.

### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با روش پیمایشی انجام شده است. واحد تحلیل در این تحقیق، «فرد» پاسخ‌گو است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان ساکن شهرستان جویبار در دامنه سنی ۶۴-۱۵ سال می‌باشند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، نمونه‌ای به حجم ۳۷۸ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب گردید.

### اعتبار<sup>۲</sup> و روایی<sup>۳</sup> تحقیق

برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری که نوعی اعتبار محتوایی است، استفاده شده است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۷). در این تحقیق بعد از سنجش مفهوم اوقات فراغت ضمن استفاده از آراء و تحقیقات دیگران (نیولینگر،<sup>۴</sup> ۱۹۸۱ و رضوانی و سینه‌چی، ۱۳۸۶) چارچوب مفهومی اوقات فراغت بر اساس تفکیک آن به فعال و غیرفعال انتخاب شده است. جهت ارزیابی و سنجش پایایی تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ، پرسشنامه در نمونه‌ای به حجم ۵۰ نفر اجرا گردید، نتایج به دست آمده از این پیش آزمون حاکی از آن است که میزان آلفا حدود ۰/۹۰ می‌باشد.

1. G.Lee & Bhargava  
2. Validity  
3. Reliability  
4. Neulinger

### تعریف مفاهیم

سرمایه فرهنگی (متغیر مستقل): در نظر بوردیو سرمایه فرهنگی عبارت از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب است. با این حال لامونت و لاریو<sup>۱</sup> معتقدند که خود وی نیز برداشت روشنی از این مفهوم ندارد و بیشتر مایل است تا تعریف وی را چنین خلاصه کند: «نشانه‌های فرهنگی نهادینه شده از قبیل، نگرش‌ها، ترجیحات، دانش رسمی، رفتارها، اهداف و اعتبارات ارزشمند که برای ایجاد انحصار اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌شوند» (فاضلی، ۱۳۸۴: ۳۶).

متغیر سرمایه فرهنگی دارای دو مؤلفه مصرف کالاها و کالاهای فرهنگی می‌باشد. تدوین شاخص‌های متغیر سرمایه فرهنگی و عملیاتی کردن این متغیر در سه بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده بر اساس پژوهش‌های پیشین بوردیو (۱۹۸۴)، نوغانی (۱۳۸۴)، نیازی و کارکنان (۱۳۸۶)، ترنر و لموند<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) بوده است.

سرمایه فرهنگی تجسم یافته: بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. در واقع، توانایی‌های بالقوه‌ای که به تدریج بخشی از وجود افراد شده‌اند و در آنها تثبیت گردیده‌اند (نوغانی، ۱۳۸۴: ۹۱). این سرمایه در فرد عجین شده و نوعی از رفتار فرد می‌شود. بنابراین، نمی‌تواند به طور آبی انتقال یابد (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶: ۶۰). مانند، توانایی تسلط بر زبان خارجی، توانایی خطاطی و نقاشی و غیره.

سرمایه فرهنگی عینیت یافته: به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند؛ اما خصلت اساسی این سرمایه، در این است که بر دارندگان آن اثر آموزشی می‌گذارد (محسنی، ۱۳۶۷: ۱۸۱). مانند: تعداد کتاب، مجله و روزنامه‌های موجود در کتابخانه، تعداد خرید کتاب، مجله و روزنامه در یکسال، هزینه خرید کتاب، مجله و روزنامه، عضویت در کتابخانه و غیره.

سرمایه فرهنگی نهادینه شده: لازمه سرمایه فرهنگی نهادی، قبل از هر چیز، وجود افراد با صلاحیت و مستعد در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. از طرف دیگر، مستلزم وجود نهادهای رسمی است که صادر کننده این مدارک تحصیلی و رسمیت بخش آن می‌باشند. این سرمایه قابل واگذاری و انتقال نیست و به دست آوردن آن برای افراد به شرایط معینی بستگی دارد (روح الامینی، ۱۳۶۵: ۱۱۸). مانند: مدارک تحصیلی و گواهینامه فنی و حرفه‌ای.

1. Turner and Lmunds



**اوقات فراغت (متغیر وابسته):** فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود یا برای استراحت، یا برای تفریح، یا به منظور توسعه یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (سعیدی رضوانی و سینه چی، ۱۳۸۶).

تدوین شاخص‌های متغیر اوقات فراغت و عملیاتی کردن این متغیر در دو بعد فعال و غیر فعال، بر مبنای مشاهدات محقق و پژوهش‌های بورديو (۱۹۸۴)، شفيعی (۱۳۸۳)، فکوهی (۱۳۸۲)، تورکيلدسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، پارکر<sup>۲</sup> (۱۹۷۶)، روبرتس<sup>۳</sup> (۱۹۹۹)، گرین<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۶) و هیوود و همکاران (۱۳۸۱) بوده است.

**اوقات فراغت فعال:** اوقات فراغت فعال شامل فعالیت‌هایی هستند که صرف انرژی فیزیکی و ذهنی می‌شوند (نیولینگر<sup>۵</sup>، ۱۹۸۱). فعالیت‌های فیزیکی با مصرف انرژی کم شامل پیاده روی و یوگا می‌باشد که رقابت و تماس کمی وجود دارد. فعالیت‌های فیزیکی با مصرف انرژی زیاد مثل بوکس و فوتبال می‌باشد که رقابتی هستند. بعضی از فعالیت‌های فعال اوقات فراغت شامل فعالیت‌هایی می‌شود که هیچ فعالیت فیزیکی در آن صورت نمی‌گیرد، اما به تلاش ذهنی اساسی نیاز دارد، مثل بازی شطرنج و نقاشی کردن (همان).

**اوقات فراغت غیرفعال:** اوقات فراغت غیرفعال آنهایی هستند که فرد هیچ انرژی ذهنی یا فیزیکی اعمال نمی‌کند (نیولینگر، ۱۹۸۱). مانند رفتن به سینما- تماشای تلویزیون، آرمیدن و فکر کردن- گفتگوی تلفنی.

## یافته‌های پژوهش

### الف) توصیف داده‌ها

با توجه به جدول شماره (۱)، بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میانگین به سرمایه فرهنگی «تجسم یافته» اختصاص دارد و کمترین میانگین به سرمایه فرهنگی «نهادینه شده» مربوط می‌شود. به طور کلی میزان سرمایه فرهنگی در پاسخ‌گویان پایین است.

1. Torkildsen  
2. Parker  
3. Roberts  
4. Green  
5. Neulinger

جدول شماره (۱): میانگین سرمایه فرهنگی پاسخ‌گویان شهرستان جویبار

متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی)	میانگین از ۴
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۰/۷۳
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۱/۲
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۱/۱۹
سرمایه فرهنگی کل	۱/۱

با توجه به جدول شماره (۲)، بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد که میزان اوقات فراغت در بین زنان شهرستان جویبار از حد متوسط پایین‌تر است که می‌تواند به دلیل پایین بودن میزان سرمایه فرهنگی در این شهرستان باشد. اوقات فراغت و چگونگی گذران این اوقات در زمان بیکاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته شاید این مقوله از نظر بسیاری از افراد چندان مهم و با ارزش تلقی نشود اما بی‌تردید همان‌گونه که نوع شغل و میزان دقت و توجه افراد به شغلشان موجب رشد و توسعه جامعه می‌شود، به همان نسبت چگونگی گذران اوقات فراغت و اختصاص دادن زمانی خاص به شکل درست و منطقی به این اوقات، می‌تواند موجب رشد و ارتقای تک تک افراد در زندگی شخصی و اجتماعی آنها شود. مشروط به آن که اشخاص تعریف درستی از این اوقات داشته باشند (علوی زاده، ۱۳۸۵: ۶۲).

جدول شماره (۲): میانگین اوقات فراغت پاسخ‌گویان شهرستان جویبار

متغیر وابسته (اوقات فراغت)	میانگین از ۴
فراغت فعال	۱/۹۱
فراغت غیر فعال	۱/۳
اوقات فراغت کل	۱/۵۴

همچنان که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، میانگین مشارکت زنان در اوقات فراغت فعال بیشتر از فراغت غیرفعال است. گویه‌های «بودن در کنار خانواده و تماشای تلویزیون» از میانگین بیشتری نسبت به سایر گویه‌ها برخوردارند.

اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان ۸۳

جدول شماره (۳): میانگین مهم‌ترین گویه‌های اوقات فراغت فعال و غیرفعال

متغیر	گویه‌ها	میانگین از ۴
اوقات فراغت فعال	بودن در کنار خانواده	۳/۴۳
	مسافرت و مهمانی رفتن	۲/۵
	خرید رفتن	۲/۴۸
	گردش کنار دریا	۲/۳۷
	زیارت اماکن مقدس	۲/۳۳
اوقات فراغت غیر فعال	تماشای تلویزیون	۳/۱
	فکر کردن و آرامیدن	۲/۲۲
	تلفن زدن	۱/۹۵
	شرکت در سخنرانی دینی	۱/۷۵
	گوش دادن به رادیو و مطالعه کردن	۱/۵

### تحلیل داده‌ها

#### تحلیل واریانس گروه سنی برحسب انواع اوقات فراغت

بر اساس نتایج حاصل از جدول شماره (۴)، داده‌ها نشان می‌دهد که بین سن و اوقات فراغت تفاوت وجود داشته و این تفاوت معنی‌دار است. در ضمن با افزایش سن افراد میزان اوقات فراغت آنان نیز کمتر می‌شود.

جدول شماره (۴): تحلیل واریانس گروه سنی برحسب انواع اوقات فراغت

متغیرها	نوع پراکندگی	درجه آزادی (df)	F	سطح معنی داری (sig)
فراغت فعال	بین گروهی	۲	۱۴/۵۷۵	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۳۷۵		
فراغت غیر فعال	بین گروهی	۲	۳۹/۰۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۳۶۶		
اوقات فراغت کل	بین گروهی	۲	۳۲/۰۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۳۶۶		

ضرایب همبستگی ابعاد سرمایه فرهنگی با مشارکت در انواع اوقات فراغت زنان در جدول شماره (۵) آمده است. با توجه به داده‌های جدول، ابعاد سه گانه سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده) با همه‌ی انواع اوقات فراغت رابطه مستقیم و معناداری دارد. یعنی با افزایش میزان هر یک از ابعاد سرمایه فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی افزوده می‌شود و در نتیجه سرمایه فرهنگی کل با اوقات فراغت رابطه مستقیم و معناداری دارد. مقایسه ضریب همبستگی نشان می‌دهد که قوی‌ترین رابطه بین فراغت غیرفعال با سرمایه فرهنگی برقرار است که میزان آن ۰/۷۳۲ می‌باشد. لذا در ارتباط با این فرضیه تحقیق که سرمایه فرهنگی با میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های فراغتی رابطه معناداری دارد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

جدول شماره (۵): ضرایب همبستگی ابعاد سرمایه فرهنگی با انواع اوقات فراغت

انواع اوقات فراغت	انواع اوقات فراغت		متغیر
	غیر فعال	فعال	
کل	۰/۶۲۷	۰/۴۳۴	ضریب همبستگی
۰/۶۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۶۹	۳۶۹	۳۷۸	فراوانی
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۰/۶۹۸	۰/۵۳۹	ضریب همبستگی
۰/۷۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۶۹	۳۶۹	۳۷۸	فراوانی
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۰/۵۸۶	۰/۵۳۴	ضریب همبستگی
۰/۶۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۶۹	۳۶۹	۳۷۸	فراوانی
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۰/۷۳۲	۰/۵۶۵	ضریب همبستگی
۰/۷۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۳۶۹	۳۶۹	۳۷۸	فراوانی
سرمایه فرهنگی کل			

### رگرسیون چند متغیره

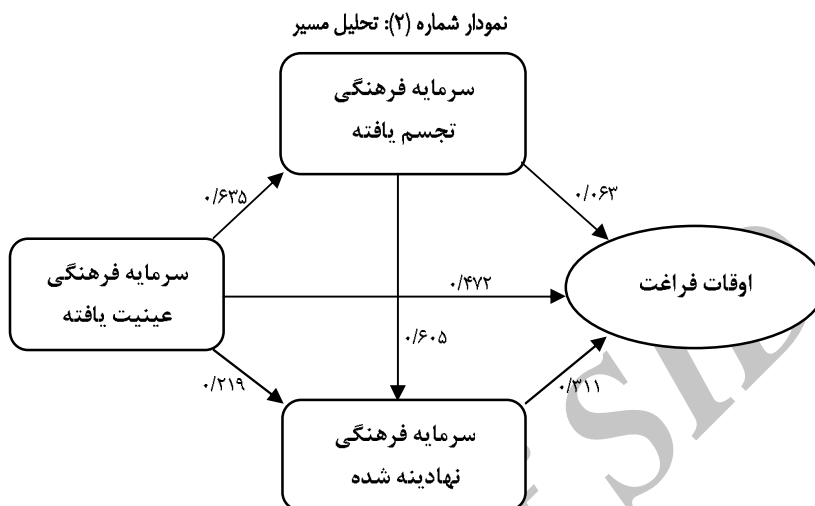
جهت سنجش بهتر تأثیر ابعاد سرمایه فرهنگی بر اوقات فراغت از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. البته لازم به ذکر است که روش مورد استفاده، روش گام به گام<sup>۱</sup> می‌باشد.

رگرسیون خطی چند متغیره متغیرهای مستقل با متغیر وابسته‌ی اوقات فراغت کل در جدول شماره (۶) آمده است. در گام اول، داده‌های جدول نشان می‌دهد که از میان ۳ متغیر (سرمایه فرهنگی عینیت یافته، تجسم یافته و نهادینه شده) وارد شده در مدل اولیه، دو متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده در مدل نهایی باقی ماندند. از میان دو متغیر مستقل موجود در مدل رگرسیونی، متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته با ضریب بتای ۰/۵۰۱ به بهترین وجه تغییرات متغیر وابسته (اوقات فراغت) را تبیین می‌کند؛ بدین صورت که ضریب تأثیر این متغیر ۰/۴۹۳ می‌باشد. این ضریب حاکی از آن است که ۴۹/۳ درصد از واریانس مشارکت در فعالیتهای اوقات فراغت توسط متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته تبیین می‌شود. از جهتی سرمایه فرهنگی عینیت یافته دارای تأثیر مستقیم بر اوقات فراغت است بدین معنی که با افزایش سرمایه فرهنگی عینیت یافته بر میزان مشارکت افراد در فعالیتهای فراغتی افزوده می‌شود.

جدول شماره (۶): رگرسیون خطی چند متغیره متغیرهای مستقل با متغیر اوقات فراغت کل

سطح معناداری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضریب تعیین تجمعی (R <sup>2</sup> )	تغییرات ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
					خطای معیار (Std.Error)	ضریب رگرسیونی (B)	
۰/۰۰۰	۲۹/۰۸۰				۲/۲۸۷	۶۶/۴۹۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۲/۷۰۵	۰/۵۰۱	۰/۴۹۳	۰/۴۹۳	۰/۰۴۹	۰/۶۲۶	سرمایه فرهنگی عینیت یافته
۰/۰۰۰	۷/۹۴۱	۰/۳۱۳	۰/۵۵۱	۰/۰۵۸	۰/۱۶۵	۱/۳۰۹	سرمایه فرهنگی نهادینه شده

<sup>1</sup>. Stepwise



در جدول شماره (۷) اثرات مستقیم و غیر مستقیم ابعاد سرمایه فرهنگی بر اوقات فراغت قابل مشاهده می‌باشد. متغیرهای موجود در جدول بر اساس میزان اثرگذاری (از بیشترین تا کمترین) بر متغیر وابسته آمده است. بیشترین میزان تأثیرگذاری به متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته اختصاص دارد که میزان ضریب آن ۰/۶۳۱ می‌باشد. کمترین میزان اثرگذاری به متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته مربوط می‌شود که میزان ضریب آن ۰/۲۵۱ می‌باشد. تأثیر ابعاد گوناگون سرمایه فرهنگی بر اوقات فراغت نیز مثبت می‌باشد.

جدول شماره (۷): اثرات مستقیم و غیر مستقیم ابعاد سرمایه فرهنگی بر اوقات فراغت کل

متغیر	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	اثرات کل
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۰/۴۷۲	۰/۱۵۹	۰/۶۳۱
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۰/۳۱۱	---	۰/۳۱۱
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۰/۰۶۳	۰/۱۸۸	۰/۲۵۱

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی پایین‌تر از حد متوسط است. بدین جهت که نخستین مسئولیت زنان، سازماندهی امور خانه است و مسئولیت‌های خانگی به‌گونه‌ای است که تنظیم و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می‌سازد و موجب تکه تکه شدن اوقات فراغت

می‌شود. از این رو برای زنان ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است (هیوود، ۱۳۸۱). بسیاری از زنان از فضای یکسانی برای کار و اوقات فراغت بهره می‌گیرند که عمدتاً خانه است. همچنین شمار مؤسسات و فضاهای فراغتی عمومی که زنان می‌توانند در آن حضور یابند، محدود است. برخی از این فضاهای تفریحی و ورزشی مردانه‌اند و زنان در آن احساس امنیت نمی‌کنند. بررسی میانگین مشارکت در اوقات فراغت نشان می‌دهد که زنان مشارکت بیشتری در فراغت فعال دارند. امروزه حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی و افزایش سطح تحصیلات و اشتغال موجب شده است که تغییراتی در رفتار و سبک زندگی آنها ایجاد شود و فراغت زنان از شکل غیرفعالانه به فعالانه تغییر یابد. همچنان که رفعت جاه (۱۳۸۵) به این نتیجه دست یافته است. انتظار می‌رود با توجه به پیشرفت جوامع و پراکندگی وظایف خانواده از میزان پرداختن افراد به فعالیت‌های فراغتی جمعی و خانوادگی مانند هم نشینی و محاوره با خویشان و بودن در کنار خانواده و غیره کاسته شود، ولی نتایج حاضر حاکی از آن است که در جامعه مورد نظر زنان بیشتر به فعالیت‌های فراغتی خانوادگی می‌پردازند. بررسی‌های گوناگون درباره نحوه و صور گذراندن اوقات فراغت در ایران نشان می‌دهد که بیشتر اوقات فراغت ایرانیان در زمان خارج از کار به هم‌نشینی و مصاحبت و دید و بازدید می‌گذرد. در نتیجه خانواده هنوز هم در ایران بسیاری از نیازهای ایرانیان را در زمینه «فراغت» برآورده می‌سازد. به طور کلی می‌توان گفت که اوقات فراغت ایرانی‌ها در چارچوب خانواده و در روابط خویشاوندی مطرح می‌شود. برخی از آداب و رسوم و سنت‌های خاص جامعه ایرانی نیز در شکل‌گیری «فراغت» در چارچوب روابط خویشاوندی مؤثر است. فی‌المثل، در جامعه ایرانی صله ارحام عملی ضروری تلقی می‌شود، سنتی که پیوندها و روابط خویشاوندی را تحکیم بخشیده و به گذران اوقات فراغت شکل ویژه‌ای می‌بخشد (مهدی پور آکردی، ۱۳۸۵: ۱۵). در واقع دید و بازدید و به مهمانی رفتن و مهمان پذیرفتن از پایدارترین سنن و عادات ایرانیان بوده و هنوز رواج فراوان دارد. در روستاها نوع مهم وقت گذرانی همین مهمانی‌هاست. بسط شهرنشینی و کاهش ابعاد خانواده و رشد روزافزون فردیت هنوز نتوانسته خوی دیرین مهمان دوستی را فرو نشاند.

جدول تحلیل مسیر نشان می‌دهد که بین ابعاد سه گانه سرمایه فرهنگی و اوقات فراغت تأثیر مستقیم و معناداری وجود دارد. یافته‌های این تحقیق، حاکی از وجود رابطه بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و اوقات فراغت است که مؤید قابل قبول بودن مباحث نظری ارائه شده در تحقیق با یافته‌های این مطالعه می‌باشد. همان‌گونه که یافته‌های تحقیق بوردیو (۱۹۸۴) نشان داده است، طبقات مختلف جامعه از سرمایه فرهنگی

یکسان برخوردار نیستند و سطح برخورداری افراد در طبقات اجتماعی و اقتصادی جامعه، بر نوع رفتار افراد جامعه تأثیرگذار است و با توجه به اینکه اوقات فراغت نوعی رفتار تلقی می‌شود، میزان بهره‌مندی از سرمایه فرهنگی بر مشارکت افراد در فعالیت‌های فراغتی مؤثر است به این صورت که هر چه میزان سرمایه فرهنگی نزد افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های فراغتی نیز بیشتر است. همچنین یافته‌های این تحقیق، یافته‌های دیگر محققان (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷؛ نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶) را تأیید می‌کند.

### پیشنهادات تحقیق

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان چند نکته را یادآوری کرد:

- ۱) با توجه به پایین بودن سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده) در میان پاسخگویان، بخش دولتی می‌تواند با برنامه‌ریزی و تهیه امکانات، موجب بالا بردن سرمایه فرهنگی شود و با بالا رفتن سرمایه فرهنگی زنان، میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های فراغتی نیز تغییر یافته و به سوی الگوهای مفید تر اوقات فراغت سوق پیدا کند.
- ۲) زنان به فراغت فعال، بیشتر از فراغت غیر فعال می‌پردازند. این موضوع نشان ضعف امکانات مدرن و پیشرفته گذران اوقات فراغت می‌باشد. در نتیجه بخش دولتی، نیازمند داده‌هایی در مورد روندهای آتی جهت طراحی و سیاستگذاری اجتماعی اوقات فراغت است.
- ۳) لازم است مدیران و برنامه‌ریزان به آنچه که مردم را به انجام فعالیت‌های اوقات فراغت و فعالیت‌های تفریحی بر می‌انگیزد، توجه نمایند. آنها باید محیط‌هایی خلق کنند که فعالیت‌های فراغت در آنها رشد نمایند.
- ۴) توسعه مراکز ورزشی، تفریحی و فرهنگی در تمام سطوح شهرستان باید به طور عادلانه و برابر توزیع شود.
- ۵) از آنجایی که انتخاب سبک‌های زندگی در شکل‌گیری هویت‌های فردی در دوران مدرنیته اخیر دارای نقش اساس هستند (ابراهیمی و بهنوئی، ۱۳۸۸). در نتیجه اوقات فراغت، بستر مناسبی برای شکل دادن به هویت افراد است، لذا پیشنهاد می‌شود مقوله‌های اوقات فراغت افراد به شکل منطقی‌تری مورد بررسی قرار گیرد تا نوع رفتار فراغتی در جامعه متناسب با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی تجلی یابد.



## منابع

- ابراهیمی، قربانعلی و عباس بهنوئی گلنه (۱۳۸۸) اوقات فراغت و هویت: بررسی جامعه شناختی رابطه‌ی اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابلسر، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۵ (۱۴): ۱۴۸-۱۲۷.
- استونز، راب (۱۳۸۵) متفکران بزرگ جامعه شناسی، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- تورکیلدن، جورج (۱۳۸۲) اوقات فراغت و نیازهای مردم، ترجمه: عباس اردکانیان و عباس حسنی، تهران: نوربخش.
- تیپا، مجتبی (۱۳۸۸)، بررسی رابطه پایگاه اجتماعی- اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان ۲۹-۱۸ سال دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- جمشیدیه، غلامرضا و شهرام پرستش (۱۳۸۶) دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی بر بورديو، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، صص ۸۷-۶۷.
- چنکینز، ریچارد (۱۳۸۵) پی بر بورديو، ترجمه: لیلا جو افشان و حسن چلوشیان، تهران: نشر نی.
- جلالی پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۸۷) نظریه‌های متاخر جامعه شناسی، تهران: نشر نی.
- خواجه نوری، بیژن و علی اصغر مقدس (۱۳۸۷) بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، نیمه دوم ۱۳۸۷، صص ۱۵۵-۱۳۳.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۵) جنسیت و اوقات فراغت در عرصه‌های زندگی شهری، فصلنامه انسان شناسی، ش ۴، صص ۷۹-۵۹.
- روح الامینی، محمود (۱۳۶۵) زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات عطار.
- ربانی، رسول و حامد شیری (۱۳۸۸) اوقات فراغت و هویت اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش ۸، صص ۲۴۹-۱۰۹.
- سعیدی رضوانی، نوید و پیروز سینه چی (۱۳۸۶) مشهد و اوقات فراغت، فصلنامه‌ی جستارهای شهر سازی، ش ۲۲-۲۳، صص ۶-۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) درآمدی بر دایره‌ی المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰) روش تحقیق در علوم اجتماعی، چ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شفیعی، سمیه سادات (۱۳۸۳) بررسی رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن در بین کارکنان و اساتید دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- علوی‌زاده، سیدامیر (۱۳۸۵) بررسی چگونگی و نحوه گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر، فصلنامه جمعیت، ش ۶۴ و ۶۳، صص ۸۳-۶۱.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۴) جامعه شناسی مصرف موسیقی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۴، صص ۵۳-۲۷.
- فکوهی، ناصر و فرشته انصاری مهلبادی (۱۳۸۲) اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی نمونه‌ی موردی دو دبیرستان دخترانه‌ی شهر تهران، نامه‌ی انسان شناسی، دوره اول، ش ۴، صص ۸۹-۶۱.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴) پی بر بورديو: پرسمان دانش و روشنفکری، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۶۱-۱۴۱.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۴) نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

- کیوستو، پیتز (۱۳۸۰) اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر محسنی، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، استان مازندران، جویبار. تهران: مرکز آمار ایران.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۶) اوقات فراغت و چالش‌های آن، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۸، صص ۱۶۵-۱۳۶.
- محسنی، منوچهر (۱۳۶۷) مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
- ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱) بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گیلان (علی‌آباد کنول-گنبد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدی‌پور آکردی، علی (۱۳۸۵) چگونگی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهرستان نکاء و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۴) سرمایه فرهنگی و ورود به آموزش عالی، فصلنامه فرهنگ و هنر خراسان، ۵(۳): ۹۶-۷۰.
- نیازی، محسن و محمد کارکنان (۱۳۸۶) تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه مطالعات ملی، ۸(۲): ۸۰-۵۵.
- هیوود، لس و همکاران (۱۳۸۱) اوقات فراغت، ترجمه: محمد احسانی، تهران: امید دانش.

**Bourdieu, Pierre and Jean Claude Passeron** (1990) "Reproduction in Education, Society and Culture, Sage Publications Inc, ISBN.London.

**Bourdieu, Pierre** (1986) the Forms of Capital in Handbook Theory and Research in Sociology of Education, Greenwood.

**Bourdieu, Pierre and Wacquant, Loic** (2002) An Invitation to Reflexive Sociology, Polity Press, P.10-45.

**Bourdieu, Pierre** (1984) Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste, Translated by Richard Nice, London: Rutledge.

**Fitzgerald, Michael** (1995) Leisure Activities of Adolescent School Children, Journal of Adolescence, vol.18, Issue 3, P.349-359.

**G. Lee, Yoon and Bhargava, Vibha** (2004) Leisure Time: Do Married and Single Individuals Spend It Differently? Family and Consumer Sciences Research Journal, Vol.32:254-174.

**Green, Gary T & Ken, Cordell, H & Betz, Carter J & Distefano, Christine** (2006) Construction and Validation of the National Survey on Recreation and the Environment 's Lifestyles Scale, Journal of Leisure Research, Vol.38, No.4, PP.513-535.

**Larrabee, E.R** (1961) Lass Leisure, the Free Press Glecoe Illinois.

**Neulinger, John.** (1981) The Psychology of Leisure, 2 nd.Ed.cc.Thomas.ISBN

**Parker, S** (1976) The Sociology of Leisure. London, George Allen Uwind Ltd.

**Roberts, Ken** (1999) Leisure in Contemporary Society, Walling Oxon, Cabi Publishing.

**Turner, B, T. Lmunds, J** (2002) The Distaste of Tastes Bourdieu, Cultural Capital and the Australian Post Wavelite, Journal of Consumer Cultural. Vol(2) :219-340.

**Torkildsen, G** (2001) Leisure and Creation Mangement, NewYork, Spon Press

اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان ۹۱

**Shinw, K.J & Floyd, M.F & Parry, D** (2004) Understanding the Relationship Between Race and Leisure Activities and Constraints: Exploring an Alternative Framework, *Leisure Science*, vol.26, P.181-199.

**Wegner, Lisa & Alen J. Flisher & Martie Muller & Carl, Lombard** (2006) Leisure Boredom and Substance Use among High School Students in South Africa, *Journal of Leisure Research*, vol.38, No.2, P.249-266

Archive of SID